

صراط؛ معنای هدایت‌گری قرآن

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ مَرَّةً
وَلِيُتَبَّرُوا مَا عَلَوُا تَتْبِيرًا...



إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ مَرَّةً
وَلِيُتَبَّرُوا مَا عَلَوُا تَتْبِيرًا (7)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (8) إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (9) وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (10)
در جریان سقوط بنی‌اسرائیل به وسیله بندگان الهی که فرمود «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» اثبات اینکه این
بندگان، بندگان ویژه‌اند، مردان الهی‌اند، کار آسانی نیست. گاهی ممکن است در طول تاریخ مردان الهی بر اینها مسلط شوند
نظیر آنچه بر یهود بنی‌نصیر و بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع و یهود خیبر- این چهار گروه- گذشت. گاهی هم ممکن است یک افراد
طاغی و باقی بر اینها مسلط بشوند نظیر آنچه بخت‌نصر بابلی بر این اسرائیلی‌ها مسلط شد.

از «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» و از این تعبیرات نمی‌شود استفاده کرد که این عباد، مردان الهی بودند زیرا نه واژه
بعث قداست دارد، نه انبعاث مقدس است، نه قرینه داخلی مساعد است. کلمه بعث همان طوری که در موارد متبرک استعمال
می‌شود نظیر «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا» و مانند آن در جای تلخ و زشت هم به کار رفته است برای اینکه درباریان
فرعون به او گفتند «أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» یعنی موسی و هارون (ع) را فعلاً قصه‌شان را به تأخیر بینداز.
مهلت بده و بفرست به‌دنبال ساحران شهر و روستا تا آنها بیایند مقابله کنند. پس بعث در جای تلخی به کار رفته است. انبعاث
هم در جای تلخ به کار رفته است مثل همان نقر ناقه صالح که «إِذْ انبَعَثَ أَشْقَاهَا * فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا».

مطلب سوم این است که قرینه داخلی مساعد نیست که اینها مردان الهی بودند چون دارد که «وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ
أُولَٰئِكَ مَرَّةً». چه بار اول، چه بار دوم این شورشیان که وارد شدند برای ویران کردن بساط بنی‌اسرائیل اینها وارد مسجد
می‌شوند؛ «لِيُتَبَّرُوا مَا عَلَوُا تَتْبِيرًا»؛ مسجد را ویران می‌کنند چه اینکه جای دیگر را هم ویران می‌کنند. در تاریخ هم دارد که اینها
وارد شدند و تورات را سوزاندند- معاذالله- خب این کار که کار مردان الهی نیست!

...مطلب دیگر این است که کفار متحد شدند و باعث شکست مسلمین شدند ولی هرگز در برابر اسلام کاری از آنها ساخته
نیست. این بیان نورانی پیغمبر (ص) که مرحوم صاحب وسائل (رض) این را در کتاب ارث و وسائل نقل کرده است که کافر از
مسلمان ارث نمی‌برد آنجا این حدیث شریف «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» قبلاً نقل شد. بعد به‌دنبال او در روایت دیگر حدیث
«الإسلام یعلو ولا یعلیٰ علیه» نقل می‌شود. این دوتا قاعده، این دوتا روایت در کنار هم در وسائل در باب ارث ذکر شده که نه
ضرر و زیانی در اسلام هست و نه شکست و انزمامی؛ همیشه اسلام پیروز است. در برابر اسلام، سراسر عالم هم متحد
شوند

نمی‌توانند اسلام را از بین ببرند برای اینکه کلام خداست، دین خداست؛ «هُوَ الْقَاهِرُ قَوِّیٌّ عِبَادِهِ». «هو الغالب» هست و «لئن
اجتمعتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ» نمی‌توانند مثل این بیاورند.

اما اگر بخواهند بعضی از مسلمان‌ها را از پادریاوردن بله با اتحاد می‌توانند؛ مثل اینکه در جریان جنگ احد همین‌طور شد. راز
شکست خوردن برخی از مجاهدان جنگ احد این بود که صریحاً با بیان پیغمبر (ص) مخالفت کردند... بنابراین «الإسلام یعلو و لا
یعلیٰ علیه»؛ این اصل کلی است اما مسلمین اگر اختلاف پیدا کردند خب گاهی شکست می‌خورند...

...اما مطلب اصلی و آن ادعای قرآن کریم است که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» حالا یا «للملّة التي» یا «للطريقة
التي هي أقوم» یعنی بهترین دین، بهترین طریقه، بهترین مکتب، بهترین روش را قرآن هدایت می‌کند و چون یک کتاب تربیتی
است علم را، تعلیم کتاب و حکمت را با تزکیه همراه می‌کند؛ مسئله تبشیر را که تقریباً صیغه تزکیه دارد کنار آن تعلیم یادآوری
می‌کند؛ «وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ» به آنها بشارت می‌دهد که «أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» و همچنین این مطلب را
هم بشارت می‌دهد که «وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا».

جامع هر دو تبشیر است. این تبشیر را گاهی در قبال انذار قرار می‌دهند؛ «مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ»؛ گاهی درخصوص مورد انذار به
کار می‌برند مثل «قَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»، گاهی در جامع مشترک بین تلخی و شیرینی به کار می‌برند مثل اینجا. آنجایی که
تبشیر در مقابل انذار است همین معنای خاص متعارف را دارد که خبرهای مسرت‌بخش و شیرین‌کننده کام از او به مزده یاد
می‌شود؛ بشارت است... آنجا که درخصوص تلخکامی به کار رفته است مثل «قَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» گفتند این یک رنج و
شکنجه روحی است مثل کسی که در امتحانات رفوزه شده و به او می‌گویند «تبریک عرض می‌کنیم!» این تبریک نوعی اهانت
است، تحقیر است نسبت به این شخصی که در امتحان رفوزه شد!

...عمده این بحث محوري «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» این است که ما باید مواظب باشیم در اینکه این آیه را معنا می‌کنیم هرگز تورات و انجیل و صحف انبیای قبلی را حقیر نکنیم برای اینکه مشترکات بین انبیا، بین کتاب‌های آسمانی، بین اعتقادات و اخلاقیات و خطوط فقهی و حقوقی فراوان است. اگر گفته شد «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» قبلاً داشتیم که ذات اقدس الهی به پیغمبر(ص) فرمود: «أَنْ أَتَّبِعُ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ» معلوم می‌شود مطالب قرآن به‌عنوان «مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ» مطرح است....

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی